

زنده و جاوید باد یاد جان باختگان اعتراضات هفته آخر آبان ماه 1398

- زنده و جاوید باد یاد جان باختگان اعتراضات هفته آخر آبان ماه 1398
- + روایت هایی از آبان خونین ماهشهر منجمله شهرک های طالقانی (کوره) و چمران (جراحی)
- کامران ساختمانگر: حمایت از فعالین جنبش کارگری و اجتماعی وظیفه ای انسانیت
- تجمع اعتراضی جمعی از کارگران فصلی کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی
- ادامه اعتراضات بیش از 100 هزار کارگر پیمانی صنعت نفت نسبت به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و دیگر وعده و وعیدهای توخالی
- اعتراضات دامنه دار کارگران کارخانه کیوان نسبت به نداشتن امنیت شغلی پس از خصوصی سازی، عملکرد مدیران شرکت و بی تفاوتی مسئولان استان همدان و کشور
- میکائیل صدیقی: نه مجلس نه دولت هیچ کدام به فکر کارگران نیستند! هدف فقط «عوام فریبی» است!
- تجمع صدها کشاورز شرق اصفهان برای بازگشایی زاینده رود و تخصیص حقابه در میدان پُزوه خوراسگان
- جان باختن یک کارگر معدن سنگ عباس آباد محلات در پی سقوط سنگ روی پایش

*زنده و جاوید باد یاد جان باختگان اعتراضات هفته آخر آبان ماه 1398

+ روایت هایی از آبان خونین ماهشهر منجمله شهرک های طالقانی (کوره) و چمران (جراحی)

- آذرماه 1398:

- /یکی از اهالی ماهشهر: «نقطه شروع اعتراضات در شهرستان ماهشهر، جمعه 24 آبان حوالی ساعت 11 از شهرک طالقانی (کوره) آغاز شد و دو ساعت بعد به ماهشهر رسید.»
- (در ماهشهر هنوز نام برخی از شهرک ها، با نام سابق شان شناخته می شود. مثلا «کوره» یا همان طالقانی شهرکی است که در گذشته در آن کوره های آجرپزی قرار داشته است.)
- می گوید: «جاده های اصلی شهر و ورودی و خروجی ماهشهر به همه جا بسته شد.»
- /بیکار ماهشهری بامدرک لیسانس: «چند نفر اینجا کشته دادند؟ عزادارها توخونه هاشون دارند گریه می کنند. مگر بچه اش چیکار کرده؟ مگر داعشی است؟ بچه اش اومده توخیابون دادزده گفته نان ندارم بخورم»
- «من عکس دوستاشون رو دارم که اینجا نصب شده بود. تانک آوردند اینجا. مگه ما چی هستیم که برای ما تانک بیارند؟ مگه ما چی هستیم؟ بابا ما با دست خالی. ما آگه پول داشتیم که اسلحه بخریم خب می رفتیم نون میخریدیم.»

یکی دیگر از اهالی ماهشهر: «آگه شنیده باشید که ده روز پیش مردم ایستادند بیرون راه ها رو بستند. مردمی که بیرون راه ها رو بستند خدا شاهده بخاطر بنزین نبوده. مشکل مردم بنزین نبوده. فقط مردم منتظر یک جرعه ای بودند. خسته شدند. ترکیدند دیگه. به اینجا رسیده بود.»

اهالی دیگر ماهشهر: «رودخانه اندازه ای داره. بالاخره طغیان می کنه. بهونه بنزین شده. اینا طغیانسه.»

یک ماهشهری دیگر: «مردم شهرک طالقانی کسی که بهشون تیر نزنه، نیفته دنبالشون کاری نمی کنند. آقا. یه آدمایی اومدن اینجا، محیط شهرک رو نمی دونستند چی به چیه. وارد کوران شدند. تن به تن شدند.»

دیگراهالی ماهشهر: «شما تو هر خونه ای برید یکی دو تا بیکار هست. در کل بیست تا پتروشیمی هست. بندر هست. صادرات هست. بندر صادراتی هست. همه چیز هست. چرا وضع مردم، چرا بچه های ما باید بیکار باشند؟ یا باید بره دست فروشی یا کار آزاد یا کارهای دیگه.»

الان شما نگاه کن. الان وسط هفته نه اول هفته هست، یکشنبه. این همه جوون باید تو خیابون باشند یا سرکار؟ با این همه منبع درآمد و نفت و پتروشیمی.»

یکی دیگر از اهالی ماهشهر: «شما وابسته به صداوسیما اید؟ اگر باشید فایده نداره. چون این چیزایی که الان اینجا مطرح شده رو بازتاب نمی دید.»

- آبان ماه 1399:

سعید: سعید از نزدیک حوادث پس از گرانی بنزین را در شهرک رصد می‌کرده اما بیش از اشاره به اتفاقات آن روزها، به دنبال ریشه‌یابی آنها است: «در حوادث آبان ماه، بیش از 80 درصد کسانی که خیابان‌ها را بستند، اصلاً ماشین نداشتند اما از این وضع خسته شده بودند.»

سعید می‌گوید که اکثر کسانی که در خیابان‌ها بودند نوجوان و جوان‌های تا 20 سال بودند که در منطقه‌ای پر از پول، امکانات و تجهیزات، در فقر و فلاکت زندگی می‌کردند و هدف مردم از بستن راه این بود که بیایند تکلیف ما را روشن کنند. اصلاً مردم به موضوع بنزین کاری نداشتند.»

اینجا حرف‌ها تقریباً مشترک است، بیکاری، تبعیض و ناکارآمدی مسئولان، سعید هم همین را می‌گوید: «ما در شهرستان مشکل مدیریتی داریم. اینجا مشکل امکانات، تجهیزات و پول نداریم. براساس گزارش عملکردی که وزارت کشور از استاندارانش بیرون داده، استاندار خوزستان در رتبه آخر قرار گرفت. شهرستان ماهشهر بین 27 شهرستان، بیستم شد. یعنی بین 500 شهرستان کشور، ماهشهر از آخر اول است.»

معتقد است اینکه اینجا غیربومی استخدام می‌شود ولی بومی خیر، یک نگاه سطحی است. مساله تبعیض را مهم می‌داند اما «ناکارآمدی» را مهم‌تر از آن: «ما شهرک صنعتی داریم. تبریز هم دارد. اینجا شهرک صنعتی توانایی جذب سه‌هزار نیرو را دارد اما در آن کمتر از 200 نفر کار می‌کنند. ولی همین شهرک در تبریز با 90 درصد ظرفیت کار می‌کند. چرا؟ چون مسئولان اینجا اکثراً غیربومی یا غیرکارشناس هستند و هیچ دغدغه‌ای بابت ایجاد شغل و فعال کردن شهرک‌ها و صنایع پایین‌دستی ندارند.»

اوضاع صنایع پایین‌دستی رو به راه نیست. مدیران صنایع پتروشیمی به دلیل عدم شناخت از منطقه و تولیداتش، هیچ تعاملی با شهرک صنعتی ندارند. در شهرک صنعتی دستمال کاغذی تولید می‌شود ولی پتروشیمی‌ها از آنها خرید نمی‌کنند. می‌گوید: «گاهی لازم است جنسی استاندارد مهمی داشته باشد و باید از خارج شهر، استان یا کشور بیاید. ولی پلاستیک زباله یا دستمال کاغذی که دیگر تخصص خاصی نمی‌خواهد. پتروشیمی‌ها هزینه‌های مردم را بالا بردند، بنابراین وظیفه دارند از صنایع حمایت کنند. ولی مسئولان شهری نمی‌آیند لینک بین شرکت‌ها و شهرک صنعتی شوند. کسی که لباس کار تولید می‌کند می‌گوید اگر 20 درصد از نیازشان را از ما خرید کنند، کارکنان را از 10 نفر به 30 نفر افزایش می‌دهم.»

می‌گوید فقر که ادامه داشته باشد، طرفی که خسته از بیکاری، از خانه بیرون می‌زند و ماشین‌های شاسی‌بلند پلاک اروند را می‌بیند، یک حس تحقیر ناشی از تبعیض آزارش می‌دهد. تا چند روز، هفته و سال می‌تواند این حس تحقیر و تبعیض را تحمل کند؟

برای حل مشکل بیکاری و کمک به صنایع پایین‌دستی، نیاز به هماهنگی بین پتروشیمی‌ها و مقامات شهرستان است. در حال حاضر در قالب شورای راهبردی جلساتی بین نمایندگان پتروشیمی و فرماندار برگزار می‌شود اما مصوبات این جلسات باز هم به دلایل عدم شناخت درست از منطقه و مردم، کارایی لازم را ندارد.

سعید می‌گوید: «پتروشیمی‌ها موظف هستند از مردم حمایت کنند. شما وقتی می‌بینید که فرماندار حاضر نیست در این شهر زندگی کند و هفته‌ای 2 روز ماهشهر می‌آید، چه انتظاری دارید؟»

فرماندار در ماهشهر 3 خانه دارد. دو خانه در ناحیه صنعتی و ممکو [شهرک بعثت] را پتروشیمی‌ها دادند و یکی هم خانه خود فرمانداری است. با این حال حاضر نیست اینجا زندگی کند. چندبار زن و بچه‌اش را آورد ولی در حوادث آبان سال گذشته ترسید و زن و بچه‌اش را برد.

وقتی فرمانداری اهواز زندگی می‌کند؛ دو تا از معاونان فرماندار اهواز زندگی می‌کنند؛ مسئول حراست فرمانداری چند روز یکبار می‌آید و اهواز زندگی می‌کند؛ مسئول برنامه‌ریزی فرمانداری اهواز زندگی می‌کند؛ مسئول دفتر فنی فرمانداری اهواز زندگی می‌کند، چه مشکلی قرار است حل شود؟ اگر مشکل اینجا تبعیض است، دقیقاً به خاطر این ناکارآمدی است.»

ادامه می‌دهد: «تهران وقتی می‌بیند استاندارش از آخر اول شده، چرا استاندار هنوز هست؟ یعنی پریول‌ترین استان کشور استاندارش نفر آخر شود؟ معمولاً استانی باید آخر شود که امکانات و تجهیزات ندارد.»

یکی از اهالی شهرک طالقانی: داستان خودش را هم تعریف می‌کند: «ما خودمان پنج سال در شرکت آبفای ماهشهر کار کردیم. بعد پنج سال یک مهندس آمد، گفت من بومی نمی‌خواهم و کلاً بومی‌ها را اخراج کرد. به همه‌جا شکایت کردیم. مهندس یکبار هم دادگاه نیامد.»

می‌گوید: «در همین مسجد بیشتر بچه‌ها بیکارند. خانواده از من فقط نماز نمی‌خواهد، کار می‌خواهد. چقدر نماز و قرآن و دعا بخوانیم؟ خانواده از من خرجی می‌خواهد.»

در پاسخ به اینکه چرا پارسال شلوغ شد، توضیح می‌دهد: «بیشتر جوانان اینجا بیکارند. اگر ما ایرانی محسوب نمی‌شویم یک چیزی بگویند که حداقل برویم داخل یک کشور دیگر زندگی کنیم. مردم اعتراض‌شان برای کار بود.»

هر جا ثروت هست ولی نظارت درست و دقیقی روی آن وجود ندارد، فساد هم شکل می‌گیرد. می‌گوید: «رئیس یکی از مناطق پتروشیمی، دو ماه حقوق فرد را می‌گیرد و می‌بردش سر کار. هیچ کسی هم نیست بتواند جلویش را بگیرد.»

به وضعیت آموزش مجازی هم گریزی می‌زند: «چند ماه است مدرسه باز شده ولی بیشتر خانواده‌ها مجازی ندارند. مدیر می‌گوید مشکل خودت است. اینجا برخی دفتر و پاک‌کن ندارند. بعدا می‌گوید تبلت دو میلیونی چینی بخر. اینها تا حالا دو میلیون را از نزدیک ندیده‌اند.»

/سیدعباس از وقایع سال گذشته تعریف می‌کند. می‌گوید: «پارسال با سهمیه‌بندی بنزین مردم به‌خاطر شرایط اقتصادی بدی که داشتند، اعتراض کردند. مردم پمپ‌بنزین‌ها را گرفته بودند تا جلوی سوختگیری ماشین‌ها گرفته شود. یواش‌یواش به‌خاطر شور و جو متشنج حاکم بر فضا، ماجرا بیشتر پیش رفت و شدیدتر شد و راه‌های ترانزیتی و جاده‌های اصلی بسته شد و این وضع دو روز ادامه پیدا کرد.»

او ادامه می‌دهد: «گاهی انسان از نداری، کاری می‌کند که شاید خارج از عرف باشد. نمی‌شود این همه شرکت اینجا باشد و مردم گرسنه باشند. خیلی‌ها از بیکاری آمدند بیرون و فقط یک جرعه لازم داشتند. بنزین این جرعه را زد.»

/طالب از بقیه پرشورتر است. تند، محکم و قاطع صحبت می‌کند. از اسم سابق شهرک طالقانی که کوره‌هاست، می‌گوید و گلایه را شروع می‌کند: «به ما نه آموزش‌وپرورش حق می‌دهد، نه شرکت‌ها و نه دیگران. اینجا لوله و شرکت گاز داریم ولی یک کیلومتر آنطرف‌تر خانه‌هایی هستند که گاز شهری ندارند. اگر همه شهرستان این شکلی بود، مشکلی نبود اما کمی آنطرف‌تر از ما، شهرک بعثت را که متعلق به پتروشیمی‌هاست، با بیشترین امکانات داریم. مگر شهرک بعثتی‌ها آدمیزادند، ما نیستیم؟»

آمدیم اعتراض کردیم، گفتند اغتشاش‌گر؛ شورش‌گر. چند ماه دیگه انتخاباته و ما می‌شویم آدمیزاد و هیچ فرقی با بقیه نداریم. اینجا چون تعداد آرا بیشتر است، همه ستادها اینجا هستند. چهار ماه آینده ما می‌شویم ملت شهیدپرور. اگر ما الان آدمیزاد نیستیم، تو انتخابات هم آدمیزاد نیستیم. دیگه نمی‌شویم ملت شهیدپرور.»

می‌گوید: «ما جوانیم و تخصص داریم. به شرکت‌ها می‌گوییم شما کارگر که می‌خواهید تخصصش را ببینید، چه کار به فامیلش دارید؟ اینجا بیشترین تغییر فامیل را داریم؛ چرا؟ چون از فامیلی می‌فهمند طرف بچه شهرک طالقانی است و جذبش نمی‌کنند. مگر ما چه کار کرده‌ایم؟»

/هادی: «هادی که جلوی موهایش کمی ریخته، صورت توپری دارد و پیراهن آبی پوشیده می‌گوید که 28 ماه در زمان جنگ خدمت کرده و ترکش به پا و دستش خورده و جانباز است ولی نه حق و حقوقش را دادند و نه اینکه کار برای دو تا بچه بیکارش که یکی فوق‌لیسانس مدیریت و دیگری لیسانس برق دارد پیدا می‌شود.»

/قاسم: «نماینده‌های مجلس و شورای شهرستان هیچ‌کدام بخار ندارند. فقط به‌خاطر رای گرفتن می‌آیند ولی کمکی نمی‌کنند. بچه‌های بومی همه بیکارند. شما به هر خونه در شهرک بروید 3یا4 تا بیکار دارد. همه بدبخت و فقیر. برو نگاه کن تو یک خانه 3 یا 4 خانوار زندگی می‌کنند.»

جوانی را نشان می‌دهد که چون بیکار بوده کنار پدرش راننده تاکسی شده است. می‌گوید: «یک ترمینال گذاشتند درش را بستند چرا چون بچه‌های شهرک اونجا می‌ایستند و مسافرکشی می‌کنند. مگه ما رو از اسرائیل آوردند اینجا؟»

می‌گوید که این شرکت‌های پتروشیمی زندگی ما را گران‌تر و سخت‌تر کردند. آنها هزینه‌ها را بالا بردند. از قاسم می‌پرسم از پارسال تا به امسال آیا اتفاقی در شهرک برای حل مشکلات افتاده است؟ می‌گوید: «هیچ کاری نکردند؛ هیچی. به ما کم محلی می‌کنند.»

از روزهای پس از گرانی بنزین هم می‌پرسم. قاسم با حرارت تعریف می‌کند: «بنزین که گران شد، مردم راه‌ها را بستند و جلوی ماشین‌ها را گرفتند. نه مغازه‌ای را شکاندند و نه کاری کردند. ما خرابی نداشتیم. بعد چند روز گفتند بروید ولی گفتیم خواسته‌های مردمی را بدهید، ندادند، با توپ و تانک اومدند برامون. یک هلی‌کوپتر بالای سرمان آمد.»

می‌گوید: «غیر از نیروی انتظامی، از کشورهای خارجی هم برامون نیرو آوردند.»

قاسم از پارسال چیز بیشتری نمی‌گوید اما از اوضاع ناراضی است: «من الان اعتراض دارم به اقتصاد. شیشه روغن 600 گرمی شده 15 هزار تومان. از اینجا تا ماهشهر 10 هزار تومان می‌ریم. با این [بول] کاری می‌شه کرد؟ مملکت ما به فقرا رسیدگی نمی‌کنه.»

می‌پرسم اصلی‌ترین مشکل شما چیه؟ پاسخش همان پاسخی است که اگر سال قبل هم از مردم می‌پرسیدی، همان را می‌گفتند: «مشکل اصلی ما بیکاری بچه‌هایمان است.»

می‌بیند فیلم می‌گیرم، می‌پرسد: «می‌خوای صحبت کنم؟» با سر تایید می‌کنم و شروع می‌کند: «صبح رفتم شهرداری می‌گویم بیا تمیز کن، میگه آب نداریم. آتش‌نشانی می‌گه بعدازظهر میام. مردم می‌تونن راه برن؟ اصلاً خدمات نداریم؛ ما مسئول نداریم. این صدامون رو ضبط کنی به خدا هیچ جا نمی‌رسه اگر رسید بیا بهت جایزه می‌دم.»

می‌گوید از پارسال هیچ اتفاقی برای شهرک و اشتغال مردمش نیفتاده: «در پتروشیمی‌ها، جذب نیرو با پارتی است. همه اینایی که اینجا هستن بیکار و مجردن. این 25 سالشه. این 31 سالشه. این 35 سالشه.»

یکی از جوانانی که کنارم نشسته، شرکتی هست؛ یعنی راننده شرکت پتروشیمی، می‌گوید: اینجا بیشتر مردم اگر هم در صنایع پتروشیمی کاری داشته باشند، یا موقت است و یا اینکه عمدتاً در رده‌های پایین است. این جوان 31 سال دارد و راننده است، از ماجرای عجیب حرف می‌زند: «پتروشیمی مارون دو تا مدرسه تو شهرک ساخت. مدتی پیش برای مدرسه کولر آورده بودند. از آموزش و پرورش ماهشهر آمده بودند کولرهای نو را ببرند و کولرهای دست دوم را بیاورند. بچه‌های شهرک مچ‌شان را گرفتند و نگذاشتند.»

یکی از اهالی: «ماهشهر منطقه‌ای استراتژیک است و در عین حال فقر و تبعیض و بیکاری اینجا زیاد است. علت اصلی‌اش هم کمبود منابع نیست، سوءمدیریت است. افراد برای پست و مقام به ماهشهر می‌آیند و دلسوزانه عمل نمی‌کنند. ما سکوی پرتابی برای مدیران شدیم. هرکسی بیاید ماهشهر و یک سال بماند، یا در استان مدیر کل می‌شود یا در کشور. چندین نمونه از این را سراغ داریم.»

***کامران ساختمانگر: حمایت از فعالین جنبش کارگری و اجتماعی وظیفه ای انسانیت**

"تاریخ طبقه کارگر جهانی با آتش و خون نوشته شده است"

تاریخ مبارزه طبقاتی بیانگر این واقعیت تاریخی است که؛ مبارزه طبقه کارگر با طبقه فرادست و سرمایه داری آشتی ناپذیر است.

با توجه به این تاریخ پر از فراز و نشیب، همواره فعالین و پیشروان طبقه کارگر در اقصی نقاط این جهان پهناور در مسیر تلاش و مبارزه برای تغییر وضع موجود متحمل هزینه های سنگینی شده اند.

همواره پیشروان طبقه کارگر با سرکوب سیستماتیک و تحمل حبس های طویل المدت، آزار و انواع شکنجه ها در اشکال مختلف و حتی جان باختن در راه آرمان های طبقه کارگر از جانب دولت های سرمایه داری به مثابه نماینده سیاسی بورژوازی روبرو بوده اند.

آزمون و تجارب جنبش جهانی طبقه کارگر به ما نشان داده است که هرگاه و در هرکجای این جهان لبریز از نابرابری و بیعدالتی همبستگی و حمایت طبقاتی، به عنوان بخشی از استراتژی عملی جنبش کارگری پر قدرت وارد میدان شده باشد به همان میزان آسیب های ناشی از تحمیل هزینه های مبارزاتی به درجاتی کاهش یافته است.

و هر زمان که فعالین و پیشروان عرصه مبارزه کارگران و زحمتکشان از حمایت همسرنوشتان خود برخوردار بوده اند به همان میزان هزینه های مبارزاتی کاهش یافته و نتیجه عملی این همبستگی و حمایت تداوم فعالیت جنبشی طبقه کارگر از جانب فعالین و پیشروان طبقه را به دنبال داشته است.

"اینجاب کامران" ساختمانگر به عنوان عضوی از طبقه کارگر ایران که تاکنون در جریان مبارزات کارگری به مثابه بخشی از هویت اجتماعی خویش متحمل انواع فشار، تهدید، و زندان شده ام. و در آخرین مورد آن در طول یکسال گذشته بعنوان نمونه ای شاخص از بی حقوقی

و سرکوب هرگونه مطالبه گری که به طور روزمره نسبت فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی از طرف جمهوری اسلامی اعمال می شود پرونده سازی است که از جانب دستگاه های امنیتی و قضایی که علیه من و همچنین دیگر فعالین کارگری و اجتماعی به راه انداخته شده است. در راستای افشای پرونده سازی های اخیر و خصوصا پرونده خودم که در آن به ناحق و برپایه اسناد دروغین و مبتنی بر سناریوهای ساختگی و اتهام و افترا مجموعا به شش سال حبس تعزیری محکوم شده ام را در صفحه فیسبوکی خود افشا و انتشار داده ام.

متأسفانه کیفرخواست و دادگاهی من در مراجع قضایی و بالاترین مرجع قضایی دیوان عالی کشور ره به جایی نبرد.

از آنجا که شرافت انسانی و کارگری من اجازه نداد که در پیشگاه دستگاه های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی اتهامات واهی و سناریوهای ساختگی و طرح ریزی شده توسط دستگاه امنیتی و بازجویان را قبول و به گناه نکرده اعتراف نمایم و متعاقب آن درخواست عفو و بخشش داشته باشم.

فعالیت من در راستای دفاع از مطالبات برحق خود و طبقه کارگر بوده است و این امر بخشی از هویت اجتماعی و وظیفه انسانی من است که در طول سالیان در قبال جنبش کارگری به آن عمل کرده ام.

لذا این بار فریاد دادخواهی و کیفرخواست خود علیه نظم موجود و این حجم از نابرابری و بیعدالتی و تبعیض را رو به جنبش دادخواهی مردمی، فعالین جنبش های اجتماعی، نهادها و تشکل های مستقل کارگری و جریانات مدافع کارگر و مردم شریف و آزادیخواه و برابری طلب مطرح و به گوش جهانیان و هم سرنوشتان خود در سراسر جهان خصوصا طبقه کارگر ایران میرسانم

بدین وسیله از کلیه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در هرکجای این کره خاکی خواستارم تا سنت جالفاده دفاع و حمایت از جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و همچنین کارگران زندانی و دیگر فعالین سیاسی دربند که در قالب کمیته های حمایتی ، برگزاری آکسیون های اعتراضی و حمایتی از زندانیان سیاسی که به سنتی جالفاده در مبارزات مبدل گشته به کار گرفته شود. تا هزینه های مبارزاتی که به اختیار و میل خود در آن فعالیت داریم کاسته شود.

رفقا و دوستان گرامی فراخوان من رو به انسان های آزاده ای است که نگاهی جنبشی و فراگرایی به مبارزه برحق طبقه کارگر و فرودست جامعه ایران دارند، نگاهی که منافع جنبش، پیشروی و پویایی آن را در گرو همبستگی طبقاتی می بیند، نگاهی که هرگاه خود را در اسارت برخورد گرایشی ندیده است مسمر ثمر بوده و اعتلای نیرو و توان مبارزاتی طبقه کارگر و دیگر جنبش های اجتماعی را به دنبال داشته است.

به امید دنیایی آزاد و برابر و به دور از هرگونه استثمار و تبعیض

مستحکم باد صفوف مبارزات جنبش کارگری

زنده باد فعالین جنبش های اجتماعی

کامران ساختمانگر

سوم آذرماه ۹۹

***تجمع اعتراضی جمعی از کارگران فصلی کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی**

روز دوشنبه 3 آذر، جمعی از کارگران فصلی کشت و صنعت نیشکر هفت تپه بدنبال اخراج از کار تحت لوای اتمام قراردادکار دست به تجمع مقابل ساختمان مدیریت شرکت زدند و خواستار بازگشت بکار شدند.



***ادامه اعتراضات بیش از 100 هزار کارگر پیمانی صنعت نفت نسبت به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و دیگر وعده و وعیدهای توخالی**

اعتراضات بیش از 100 هزار کارگر پیمانی صنعت نفت نسبت به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و دیگر وعده و وعیدهای توخالی کماکان ادامه دارد.

با گذشت بیش از ده ماه از ابلاغیه اسفندماه 98 وزیر نفت مبنی بر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل جهت 106 هزار نفر از نیروهای پیمانکاری صنعت نفت هنوز این دسته از کارکنان در انتظار تحقق این وعده هستند.

این طرح قرار بود از اول فروردین ماه سال جاری اجرایی شود. بر اساس اعلام معاونت منابع انسانی وزارت نفت با اجرای این نظام، دریافتی نیروهای پیمانکاری شاغل در فعالیت های مستمر غیرپروژه ای به طور متوسط بین هشتصد هزار تا یک میلیون تومان افزایش می یابد.

نکته ای که نیروهای پیمانکاری نفت اشاره می کنند این است که در سایر وزارتخانه ها اول طرح برای کارکنان اجرایی شده و بعد از اجرا رسانه ای می شود و همین موضوع باعث می شود که کارکنان در انتظار نمانند. اما اینجا اول رسانه ای میکنند و ابلاغیه را در رسانه های رسمی وزارت نفت منتشر می کنند بعد تا بخواهند اجرا کنند خون به دل نیروها می کنند.

همچنین علاوه بر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل قرار بود از اول فروردین ماه سال جاری بیمه تکمیلی این دسته از کارکنان نیز اجرایی شود اما همچنان با گذشت بیش از 8 ماه از سال جدید هنوز این موضوع نیز اجرایی نشده است.

***اعتراضات دامنه دار کارگران کارخانه کیوان نسبت به نداشتن امنیت شغلی پس از خصوصی سازی، عملکرد مدیران شرکت وبی تفاوتی مسئولان استان همدان وکشور**

بیش از یک دهه است که صنایع غذایی واقع در همدان، کیلومتر 4 جاده تهران به بخش خصوصی واگذار و کارگزارانش را با مشکل امنیت شغلی دست به گریبان شده اند.

در خلال 11 سال گذشته کارگران این شرکت زیر مجموعه هلدینگ داروگربارها اعتراضشان را نسبت به نداشتن امنیت شغلی پس از خصوصی سازی، عملکرد مدیران شرکت وبی تفاوتی مسئولان استان همدان وکشور بنمایش گذاشته اند.



روز دوشنبه 3 آذر یکی از کارگران کارخانه کیوان به خبرنگار رسانه ای گفت: مشکل ما مسئولان استان همدان هستند که از بهمن 88 که این کارخانه به بخش خصوصی واگذار شده از حال مریض آن حالی نپرسیده اند و وضع شرکت از مریضی هم گذشته و شرکت کیوان در کما به سر می برد.

وی با بیان اینکه از 11 سال پیش مدیرعاملی کارخانه به شخصی واگذار شده که وی مالک هلدینگ شرکت‌هایی چون تولی پارس، کیوان، ارزش آفرینان، تولیددارو، یاس خرمشهر، کیمیاایران، هومن شیمی و چندین شرکت دیگر است، اضافه کرد: در این سال‌ها کارخانه کیوان فقط پسرفت داشته و هیچ پیشرفتی برای آن مشهود نبوده و ما همه این پسرفت‌ها را از چشم مسئولان استان می‌بینیم؛ چراکه مسئولان اصلاً نیامدند حال این شرکت را با وجود گزارش‌هایی که به سازمان صنعت معدن و تجارت و اداره تعاون داده ایم پیگیری کنند.

وی با بیان اینکه وقتی آمارهای سال 98 را با سال 88 مقایسه می‌کنیم بالغ بر 96 درصد افت تولید داشته‌ایم و این را اعلام هم کرده‌ایم اما تا امروز سه استاندار برای همدان عوض شده اما یک نفر نیامده ببیند شرکتی که بالغ بر 700 نفر کارمند داشته الان 50 نفر در این شرکت دارد و تولید شرکت در مقایسه با سال 88 صفر محسوب می‌شود.

وی با بیان اینکه زمانی برای 18 استان کشور تغذیه مدارس تولید می‌کردیم اما اکنون هر سال با تعدیل نیرو و افت تولید مواجهیم، ادامه داد: زمانی به سراغ آقای پورمختار رئیس وقت کمیسیون اصل 90 مجلس رفتیم که در آن جلسه به ما قول پیگیری داد اما اتفاقی نیفتاد و حتی در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد و در سفری که به همدان داشت راه را بر او بستیم و مطالبه خود را عنوان کردیم و در آن زمان دستور پیگیری هم صادر شد و وزیر کار وقت به همدان آمد اما مدیرکل کار وقت وی را برای بازدید به «کنترل گاز» برد، نه شرکت‌های مشکل‌دار و به این ترتیب وزیر کار وقت هم درد ما را نفهمید و دستور رئیس جمهور وقت برای رسیدگی به مشکلات کارخانه کیوان روی زمین ماند.

وی در ادامه با اشاره به اینکه زمانی مدیرعامل کیوان کاری کرده بود که کارگران را به ترک کار راضی می‌کرد مثلاً به کارگر می‌گفت حقوق سه ماهت را پیش می‌پردازم و بیمه‌ات را هم می‌پردازم ولی شما در عوض باید کار و مجموعه را ترک کنید و به این وعده هم عمل می‌کرد و بسیاری از کارگران هم راضی شدند و از مجموعه رفتند و به این ترتیب تعدیل نیرو شکل گرفت، گفت: مدیرانی هم که آمدند همه مدیران تعدیل نیرو بودند.

وی با بیان اینکه بدهی مالیاتی و تأمین اجتماعی کارخانه کیوان بالغ بر 22 میلیارد تومان است و در حال حاضر شرکت فقط به همت کارگران به ظاهر پابرجاست زیرا ما خود را سهامدار این شرکت می‌دانیم، اضافه کرد: متأسفانه مدیران ناشایست مثل ماشین‌های یدک‌کشی که فقط سمت را یدک می‌کشند از نظر کارایی صفرند که شرکت «خوش‌نوش» هم همین وضع را دارد.

وی با بیان اینکه شرکت کیوان حداقل بیمه را برای کارکنانش واریز می‌کند و افرادی که بازنشسته می‌شوند با حداقل حقوق بازنشسته می‌شوند؛ گفت: یعنی برای 20 سال زحمت ماهی دو میلیون و 400 هزار تومان دریافتی خواهیم داشت درحالی‌که شرکت‌های دیگر مثل شیشه کارگزارانش بعد از بازنشستگی ماهی شش میلیون تومان دریافتی دارند.

وی با بیان اینکه مدیرعامل اصلاً برایش اوضاع کارخانه مهم نیست و شاید می‌خواهند تغییر کاربری دهند، گفت: زمانی صحبتش بود که می‌خواهد شرکت کیوان را به انبار شرکت داروگر تبدیل کنند که

البته معاون دادستان آقای مصطفوی به شرکت سرکشی و گزارشی تهیه کرد و دستوراتی به سازمان صنعت و معدن داد اما این سازمان با اینکه چند جلسه هم با حضور کارگران برگزار کرد برای ما از نظر اجرایی سودی نداشت و تمام جلسات به اینجا ختم می‌شود که حالا شما حقوقی بگیرید و همین که کجدار و مریز چرخ کارخانه می‌چرخد برایتان کافی است و برای کسی مهم نیست که این شرکت به دلیل بدهی مدیرعامل حتی نمی‌تواند هیئت مدیره تشکیل دهد.

وی با بیان اینکه ما می‌توانیم در کارخانه کیوان بالای 50 نوع محصول تولید کنیم اما تولید نسبت به سال 88 صفر است و سؤالان این است که چرا سهامدار این شرکت اینجا را در اختیار گرفته اما کار نمی‌کند؟! گفت: چطور است که مسئولان آمار اشتغال می‌دهند و به دنبال ایجاد اشتغال جدیدند اما شرکتی مثل کیوان و خوش‌نوش هر سال تعدیل نیرو دارند و روبه زوالند؟

تصور ما کارگران این است که اصلاً شغلی ایجاد نشده وقتی تولیدی‌های استان همدان روبه نابودی هستند. چرا مسئولان استان کاری انجام نمی‌دهند؟

***میکائیل صدیقی: نه مجلس نه دولت هیچ کدام به فکر کارگران نیستند! هدف فقط «عوام‌فریبی» است!**

روز یکشنبه 2 آذر، میکائیل صدیقی (رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان) نیز در ارتباط با طرح تامین کالاهای اساسی به خبرنگار رسانه ای گفت: این طرح، تاثیر چندانی در معیشت کارگران نخواهد داشت؛ وقتی خط فقر بیش از 8 میلیون تومان است، 60 هزار تومان، به چه درد کارگر می‌خورد؟ کارگران در هزینه‌های اولیه و حداقلی زندگی درمانده‌اند. در چنین شرایطی، کوپن 60 یا 120 هزار تومانی چه تاثیری می‌تواند داشته باشد.

وی ادامه داد: این نوع فعالیت‌ها، فقط عوام‌فریبی است و هدف، فقط جلب آرای مردم کم‌درآمد و تهیدست جامعه است. وگرنه نمایندگان مجلس اگر راست می‌گویند و واقعاً دلسوز طبقه‌ی کارگر و فرودستان هستند، باید طرح‌های زیربنایی را به تصویب برسانند که معیشت کارگران را به طور اساسی از بحران نجات دهد. الان همین پارانه 45 هزار تومانی با این تورم سرسام‌آور هیچ تاثیری در زندگی مردم ندارد. کارگر با 45 هزار تومان، یک مداد و دو دفتر نمی‌تواند برای فرزند دانش‌آموزش خریداری کند؛ وقتی برنج 300 هزار تومان و روغن نباتی 75 هزار تومان است این 60 هزار تومان یا 120 هزار تومان هم به شرط اینکه واقعاً به کارگران بدهند، کارایی بهتری نخواهد داشت!

واقعا جای تاسف دارد که خودشان اعتراف می‌کنند بعد از چهل سال، مردم قادر به تامین کالاهای اساسی حتی در حد سفره های خود نیستند.

***تجمع صدها کشاورز شرق اصفهان برای بازگشایی زاینده رود و تخصیص حقابه در میدان پُروه خوراسگان**

روز دوشنبه 3 آذر، صدها کشاورز شرق اصفهان برای بازگشایی زاینده رود و تخصیص حقابه دست به تجمع در میدان پُروه خوراسگان در منطقه 15 کلانشهر اصفهان زدند.



یکی از نمایندگان حدود 600 کشاورز حاضر در تجمع به خبرنگار رسانه ای گفت : تسریع در تکمیل طرح های انتقال آب به حوضه آبریز زاینده رود و توقف اضافه برداشت های غیرقانونی در بالادست زاینده رود از جمله مطالبات کشاورزان است.

وی ادامه داد: به دلیل تخصیص نیافتن حبابه ها در سال های گذشته مقرر شده بود با تشکیل صندوق جبران خسارت کشاورزان با محوریت استانداری ، 450 میلیارد تومان از سوی مجموعه های تولیدی فولاد در منطقه که از آب زاینده رود استفاده می کنند برای جبران بخشی از زیان مالی کشاورزان پرداخت شود که تاکنون هیچ کدام محقق نشده است.

وی افزود: تخصیص هفت متر مکعب پساب تصفیه شده برای کشت و کار در شرق اصفهان که پیش تر مقرر شده بود نیز همچنان تحقق نیافته است.

این کشاورز معترض اضافه کرد: دقایقی دیگر برای بررسی این موضوع هفت نفر از نمایندگان کشاورزان در محل اداره سازمان بازرسی کل کشور در اصفهان حضور خواهیم یافت تا با مسوولان مربوطه گفت و گو و مطالبات را بیان کنیم.

***جان باختن یک کارگر معدن سنگ عباس آباد محلات در پی سقوط سنگ روی پایش**

یک کارگر معدن سنگ عباس آباد شهرستان محلات در استان مرکزی حین کار بارگیری و بستن سنگ بر روی تریلی با شکستن سنگ و سقوط آن بر روی پای وی، بشدت مجروح شد و قبل از رسیدن به بیمارستان جانش را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com